

## The Evolution of the Names of the Imams and the Rashidun Caliphs Over the Past 50 Years in Boukan: A Study in Social Onomastics

Hossein Rahmani <sup>1</sup>

### Abstract

The present study aims to demonstrate, by examining the names of the Infallible Imams and the Rashidun Caliphs over the past 50 years in Bukan County, that the people of Bukan have always held devotion towards the Infallible Imams alongside the Rashidun Caliphs. Changes in the naming of children are not merely a simple phenomenon but rather reflect shifts in social, cultural, and political conditions. By investigating the changes in child naming based on the names of the Imams and Caliphs, this research seeks to answer the following questions: What changes have occurred in the selection of names of the Imams and Caliphs for children over the past 50 years? Do these changes also apply to the name "Muhammad"? How do these changes reflect the social conditions of each decade? Using civil registration data, the frequency of the names of the Imams and Caliphs in different decades will first be entered into relevant tables. Based on this data, corresponding charts will be designed, and the data will be analyzed. While studies on changes in child naming in light of social transformations have been conducted in some cities, there was a gap in religious research showing that Sunni people hold devotion towards the Infallible Imams and that there have also been changes in the selection of names related to the Caliphs. This study is an attempt to address this defect.

**Keywords:** Social Onomastics, Rashidun Caliphs,

---

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Linguistics, Faculty of Humanities and Foreign Languages, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran. hosein\_rahmani@pnu.ac.ir

# سیر تحول نام‌های امامان و خلفای راشدین در ۵۰ سال گذشته در شهرستان بوکان: پژوهشی در نام‌شناسی اجتماعی

حسین رحمانی<sup>۱</sup>

## چکیده

در پژوهش حاضر قصد بر آن است تا با نگاهی به نام‌های امامان معصوم و خلفای راشدین در ۵۰ سال گذشته در شهرستان بوکان نشان داده شود که مردم بوکان نسبت به امامان معصوم، در کنار خلفای راشدین، همواره ارادت داشته‌اند. تغییر و تحولات در نام‌گذاری کودکان نه تنها پدیده‌ای ساده نیست بلکه نشان از تغییر در شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد. هدف در پژوهش حاضر، طی بررسی تغییر و تحول نام‌گذاری کودکان بر اساس نام امامان و خلفا، پاسخ به این سوالات است که در ۵۰ سال گذشته چه تغییراتی در حوزه انتخاب نام امامان و خلفا برای کودکان رخ داده است؟ آیا این تغییرات در مورد نام «محمد» نیز صادق است؟ این تغییر و تحول چگونه شرایط اجتماعی هر دهه را بازتاب می‌دهند؟ با استفاده از داده‌های ثبت احوال ابتدای فراوانی نام‌های امامان و خلفا در دهه‌های مختلف در جداول مربوطه وارد می‌شود و بر اساس این داده‌ها نمودارهای مرتبط طراحی شده و داده‌ها تحلیل می‌شوند. تغییرات نام‌گذاری کودکان در پرتو تغییر و تحولات اجتماعی در برخی از شهرها انجام شده بود و جای خالی پژوهشی دینی که نشان دهد مردمان اهل تسنن به امامان معصوم ارادت دارند و تغییر در انتخاب نام در مورد خلفا نیز بوده است، احساس می‌شد و این پژوهش تلاشی برای رفع این کاستی است.

**کلیدواژه‌ها:** نام‌شناسی اجتماعی، خلفای راشدین، جای‌نام‌شناسی، انسان‌نام‌شناسی

## ۱- مقدمه

برگزیدن نام در جامعه ما امر خیلی ساده‌ای نیست؛ انتخاب نام کودک امری نیست که صرفاً پس از تولد کودک به آن اندیشیده شود. گاهی این انتخاب حتی به دوران مجردی و قبل از ازدواج والدین هم می‌رسد؛ بدین معنی که ممکن است یکی یا هر دوی آنها با خود فکر کرده باشند که مثلاً فلان نام را برای فرزندشان بعد از ازدواج و فرزنددارشدن بخواهند گزید. گاهی ممکن است والدین کودک حتی اجازه نام‌گذاری را نیز نداشته باشند و این کار توسط پدربزرگ و مادربزرگ پدری یا مادری، یکی از اقوام ذی نفوذ

<sup>۱</sup> استادیار، گروه زبان شناسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

و یا حتی توسط شیوخ، روحانیون و افراد مذهبی آن ناحیه صورت بگیرد. به هر حال همان طوری که ثابت<sup>۱</sup> و ژانگ<sup>۲</sup> (۲۰۲۰: ۶) معتقدند «ظاهر جذاب نعمتی است و نام جذاب فضیلتی دیگر». تلاش همه افراد پیش‌گفته و دخیل در امر نام‌گذاری این خواهد بود که بر این فضیلت بیافزایند چرا که نام نیکو هدیه‌ای ماندنی است و در شخصیت فردی و اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد؛ دین مبین اسلام، احادیث فراوانی از حضرت محمد (ص)، روایاتی از امامان اهل تسنن و اهل تشیع بر انتخاب نام نیک بر فرزندان تأکید کرده‌اند.

انتخاب نام برای فرزندان امری ساده نیست و بدون شک عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در ظهور، رواج و یا زوال آنها نقش دارند. علم مطالعه نام‌ها را علم نام‌شناسی<sup>۳</sup> و شاخه‌ای از علم نام‌شناسی که به مطالعه نام‌ها در اجتماع می‌پردازد و در دهه‌های اخیر به تدریج رواج یافته است، نام‌شناسی اجتماعی<sup>۴</sup> می‌نامد. نام‌ها در کنار کارکردهای اجتماعی-فرهنگی (آینیالا<sup>۵</sup> و اُستمان<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷)، کنشی سیاسی نیز تلقی می‌شوند (کوستانسکی<sup>۷</sup> و پوزی<sup>۸</sup>؛ ۲۰۱۶) و از آنجایی که سیاست و جامعه به هم پیوند خورده‌اند، نام‌شناسی اجتماعی می‌تواند نشان دهد که چه انگیزه‌های اجتماعی پشت انتخاب نام‌ها هست و چگونه نام‌گذاری می‌تواند بازتاب‌دهنده تغییرات در جامعه باشد؛ به عبارتی دیگر، تغییر در نظام اجتماعی - فرهنگی یک جامعه تغییر در نظام نام‌گذاری فردی را با خود دارد. (نجاتی حسینی و افشار، ۱۳۸۸).

بوکان بزرگ‌ترین شهر جنوب استان آذربایجان با جمعیت شهری بالغ بر ۱۹۵۰۱ (براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵)، سومین شهر کردنشین بزرگ ایران و دومین شهر پس از ارومیه از نظر سطح باسوادی است. به این شهر لقب‌های عروس شهرهای ایران، شهر فرهیختگان و شهر حسن زیرک داده شده است. مردمان آن متدین به دین اسلام هستند و مذهب اهل تسنن دارند و بالتبع خلفای راشدین را عزیز می‌دارند و دوستدار اهل بیت و امامان هستند. به همین سبب در انتخاب نام نیکو از نام خلفا و امامان در ادوار مختلف برای نام‌گذاری کودکان خویش استفاده کرده‌اند و میزان آن فراز و نشیب‌هایی داشته است.

پژوهش حاضر با بررسی تغییر و تحول نام‌گذاری کودکان بر اساس نام امامان و خلفا در تلاش است تا پاسخی به این سؤالات ارائه دهد. در ۵۰ سال گذشته چه تغییراتی در حوزه انتخاب نام امامان و خلفا برای کودکان رخ داده است؟ آیا این تغییرات در مورد نام «محمد» نیز صادق است؟ این تغییر و تحول چگونه شرایط اجتماعی هر دهه را بازتاب می‌دهند؟ با استفاده از داده‌های ثبت احوال ابتدا فراوانی

1 Sabet, P.G.P.

2 Zhang, G.

3 onomastics

4 socio-onomastics

5 Ainiala, T.

6 Östman, J.

7 Kostanski, K.

8 Puzey, G.

نام‌های امامان و خلفا در دهه‌های مختلف در جداول مربوطه وارد می‌شود و بر اساس این داده‌ها نمودارهای مرتبط طراحی شده و داده‌ها تحلیل می‌شوند. تغییرات نام‌گذاری کودکان در پرتو تغییر و تحولات اجتماعی در برخی از شهرها انجام شده بود و جای خالی پژوهشی دینی که نشان دهد مردمان اهل تسنن به امامان معصوم ارادت دارند و تغییر در انتخاب نام در مورد خلفا نیز بوده است، احساس می‌شد و این پژوهش تلاشی برای رفع این کاستی است.

## ۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با انسان‌نام‌شناسی که پژوهش کنونی نیز به این دسته تعلق می‌گیرد، مشتمل بر پژوهش‌هایی است که به بررسی انسان‌نام‌ها می‌پردازد: محمدزاده و همکاران (۱۴۰۳) با بررسی نام‌های نیم‌قرن گذشته شهرستان سقز نشان می‌دهند که نام‌گذاری کودکان از تحولات تاریخی و اجتماعی و رسانه‌ها تأثیر پذیرفته و در دهه اخیر اسامی فارسی و کردی نسبت به اسامی عربی و ترکی و غربی رشد بیشتری داشته است. آنها دریافته‌اند که فراوانی نام‌های عربی رو به کاهش بوده و تنوع نام‌ها در جامعه افزایش یافته است و دلیل این امر را به دسترسی به رسانه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی گوناگون و نیز تمایل به متفاوت بودن نسبت به دیگران نسبت می‌دهند. رضایی بیلندی و ناصح (۱۴۰۳) نیز در بررسی نام‌های مدارس شهرستان گناباد دریافته‌اند که در حوزه بررسی نام‌ها از حیث مقوله هویت، بالاترین میزان نام‌گذاری مربوط به هویت ملی، در حوزه مشاهیر، بالاترین تعداد مربوط مشاهیر غیرمعاصر (زیرمقوله پیامبر اسلام و خاندان‌شان) و بر اساس مقوله جنسیت نیز نام‌های مذکر بیش از نام‌های مؤنث بوده‌اند. نیکوروش و همکاران (۱۴۰۲) با بررسی نام‌های سه دهه اخیر در شهر بیرجند خبر از افزایش قابل ملاحظه نام‌های ملی در قیاس با نام‌های مذهبی در هر دو جنسیت دختر و پسر می‌دهند و این افزایش در نام‌های گزینش شده برای دختران بیشتر است. اسدی و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی روند نام‌گذاری فرزندان در طول سه دهه اخیر در بخش کلاترزان سنندج میانگین نام‌های سه دهه برآمده از خاستگاه هویت ملی بالاترین فراوانی را داشته و نام‌های قومی و نام‌های مذهبی به ترتیب رتبه دوم و سوم فراوانی را دارد. بر خلاف دو پژوهش قبلی آنها (۱۳۹۹) نام‌های با هویت ملی نیز در کنار نام‌های مذهبی روندی کاهشی داشته و مانند آنها گرایش به نام‌های قومی را افزایشی دانسته‌اند. زندی و واثق (۱۳۹۹) با بررسی سیر تحول نام‌گذاری در چهار نسل در یکی از سازمان‌های دولتی شهر تهران دریافته‌اند که نام‌های برگرفته از هویت مذهبی بالاترین فراوانی و پس از آن نام‌های ملی، خنثی و فراملی به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. آنها دریافته‌اند که در نسل چهارم اسامی ملی روندی رو به رشد ولی اسامی مذهبی سیری نزولی داشته است. احمدی و همکاران (۱۳۹۷) با تمرکز بر انتخاب نام‌های خاص در میان گویشوران کردزبان شهر بانه طی صد سال اخیر دریافته‌اند که رواج نام‌های مذهبی روندی کاهشی و درعوض، گستردگی نام‌های ملی و قومی، روندی صعودی داشته‌اند. دانش و قربانی (۱۳۹۶) متغیرهای دینداری و قومی را دارای رابطه معکوس با ملی‌گرایی خانواده‌ها قلمداد کرده‌اند که بر اساس آن خانواده‌های دین‌دارتر بیشتر به اسامی اسلامی و قومی گرایش دارند و خانواده‌های که از

دینداری کمتری برخوردارند به اسامی ملی گرایش دارند. نتایج پژوهش جمشیدیها و فولادیان (۱۳۹۰) حاکی از آن است که روند به‌کارگیری اسامی اسلامی سنتی در جامعه ایرانی رو به کاهش گذاشته است و نیز اسامی حامل فرهنگ ایرانی باستانی در دوره پیش از انقلاب چند سالی افزایش می‌یابند اما با شروع انقلاب گرایش به این نام‌ها به شدت کاهش می‌یابد اما مجدداً در دوران سازندگی به طور معناداری افزایش می‌یابند. اسلامی راسخ و احمدوند (۲۰۱۵) نشان دادند مردان و زنان بیشتر از نام‌های قومی استفاده می‌کردند و نام‌های مذهبی رواج کمتری دارند. پژوهش‌هایی که در بالا ذکر شدند بر نام‌های قومی، ملی و مذهبی تاکید داشتند و پژوهشگران یکی از این هویت‌ها را در پژوهش خویش بر دیگر هویت‌ها دارای اولویت دانستند. در این پژوهش، اما، صرفاً بر بعضی از نام‌های مذهبی خاص، یعنی نام خلفای راشدین و امامان معصوم متمرکز است و در تلاش است که ارادت و دوستداری مردمان کرد سنی نشین نسبت به نام‌های امامان همچون نام خلفای راشدین نشان دهد.

### ۳- مبانی نظری پژوهش

نام‌شناسی عمدتاً به بررسی نام مکان‌ها<sup>۱</sup> و نام انسان‌ها<sup>۲</sup> می‌پردازد؛ حوزه اول را جای‌نام‌شناسی<sup>۳</sup> و حوزه دوم را انسان‌نام‌شناسی<sup>۴</sup> می‌نامند. آینیلا و اُستمان (۲۰۱۷: ۷) نام مکان‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنند «نام‌های طبیعی<sup>۵</sup> و نام‌های فرهنگی<sup>۶</sup>». نام‌های طبیعی نام‌هایی هستند که به یک مکان طبیعی اشاره دارند (مانند دریا، کوه یا جنگل) و نام‌های فرهنگی نام‌هایی هستند که به مکانی ساخته شده یا شکل‌گرفته توسط انسان اشاره دارند (مانند مزرعه، جاده یا خانه).<sup>۷</sup> آنها نام‌های طبیعی را نیز به دو دسته طبقه‌بندی می‌کنند: «نام‌های زمینی و نام‌های مرتبط با آب‌ها: نام‌های توپوگرافیک<sup>۸</sup> (مانند نام یک باتلاق یا صخره) و هیدرونیم‌ها<sup>۹</sup> (مانند نام یک دریاچه یا جوی). نام‌های فرهنگی معمولاً به نام‌های سکونتگاهی (مانند نام‌های خانه‌های روستایی یا دهکده‌ها)، نام‌های کشت‌وکار (مانند نام‌های مزارع و چمنزارها) و نام‌های مصنوعی تقسیم می‌شوند. دسته آخر شامل نام‌های جاده‌ها، پل‌ها، سدها و دیگر سازه‌ها می‌شود». مطالعه نام‌های شخصی در چارچوب نام‌شناسی اجتماعی توجه قابل ملاحظه‌ای را به خود جلب کرده است. ارزش‌های اجتماعی عاملی مهم در انتخاب نام‌های کوچک محسوب می‌شوند؛ بنابراین این نام‌دهنده تحت تأثیر عواملی مانند زبان مادری، باورهای مذهبی، پیشینه ملی و وضعیت اجتماعی قرار می‌گیرد (آینیلا و اُستمان، ۲۰۱۷: ۲۰، ویرکولا<sup>۹</sup> (۲۰۱۴) و آلدین<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۷)). انسان‌نام‌شناسی اجتماعی

<sup>1</sup> toponyms

<sup>2</sup> anthroponyms

<sup>3</sup> toponomastics

<sup>4</sup> anthroponomastics

<sup>5</sup> nature names

<sup>6</sup> cultural names

<sup>7</sup> topographic

<sup>8</sup> hydronym

<sup>9</sup> Virkkula, J.

<sup>10</sup> Aldrin, E.

به بررسی چرایی محبوبیت برخی از نام‌ها و اجتناب از برخی دیگر و نیز تغییرات نام‌های محبوب با نگاهی به حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی می‌پردازد و داده‌های آماری اهمیت زیادی برای مطالعات مربوط به محبوبیت نام‌ها دارند. نام‌شناسی اجتماعی به معنای مطالعه نام‌ها در چارچوب جامعه‌شناسی را لانگندوک<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۲ پیشنهاد کرد؛ هرچند قبل از وی کهل<sup>۲</sup> (۱۹۷۱) و لیبرسون<sup>۳</sup> (۱۹۸۴) بر پیوند بین تحقیقات نام‌شناسی و جامعه‌شناسی زبان تأکید کرده بودند. در این زمینه پژوهشی با تلفیق زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، نقش نام‌ها در بازتاب و شکل‌دهی هویت‌های اجتماعی، روابط قدرت و تحولات فرهنگی بررسی می‌شود. به عبارتی دیگر، این حوزه، نام‌ها را نه به عنوان نشانه‌های زبانی صرف، بلکه به عنوان ابزارهایی برای بازتولید هویت، قدرت و ایدئولوژی در جامعه تحلیل می‌کند. فلسفه بنیادین رویکرد نام‌شناسی اجتماعی این است که نام‌ها محصول جامعه‌ای هستند که در آن استفاده می‌شوند و بخشی از آن جامعه محسوب می‌گردند؛ بنابراین نمی‌توان آنها را جدا از بافت اجتماعی‌شان مطالعه کرد. لانگندوک (۲۰۰۷: ۳۰۷-۳۰۶) نام‌های خاص را به عنوان «نشانه‌های زبانی ریشه‌دار در جامعه و بخشی جدایی‌ناپذیر از مجموعه جامعه‌شناختی زبان یک جامعه» توصیف می‌کند و بر این باور است که مطالعه نام‌ها باید با توجه به تحولات پیرامونشان صورت گیرد؛ وی (۲۰۰۷: ۳۲۰) و نیکولایسن<sup>۴</sup> (۱۹۸۵: ۱۲۳) نام‌ها را ابزاری ایده‌آل برای بررسی تغییرات اجتماعی می‌داند، چرا که تغییرات جامعه می‌توانند بر ساختار و شیوه‌های نام‌گذاری در آن جامعه تأثیر بگذارند. این در حالی است که برگر<sup>۵</sup> و لاکمن<sup>۶</sup> (۱۹۶۶: ۳۴) معتقدند که «واقعیت‌های اجتماعی از طریق تعاملات انسان‌ها ساخته می‌شوند و نام‌ها به عنوان بخشی از این واقعیت‌ها، نه تنها بازتاب دهنده هویت فردی و جمعی هستند، بلکه در شکل‌دهی به آن نقش ایفا می‌کنند». در همین راستا، پیرس<sup>۷</sup> (۱۹۳۱) و لیبرسون (۲۰۰۰: ۸۷) «انتخاب نام‌های خاص در یک جامعه» نشان از «تعلقات قومی یا طبقاتی» می‌دهند. برای مثال، در بسیاری از کشورهای اروپایی، افراد با تحصیلات بالا نام‌های سنتی را ترجیح می‌دهند، در حالی که افراد با تحصیلات پایین‌تر نام‌هایی را انتخاب می‌کنند که محبوب و مد روز هستند (گرهاردز<sup>۸</sup> ۲۰۰۳: ۲؛ واندبوش<sup>۹</sup> ۱۹۹۸)؛ به همین شکل در بوکان نام خانوادگی‌های مهمدی و ایلخانی زاده متعلق به خان‌ها و مالکان بوکان بوده است.

زبان، جنسیت و قدرت همواره در مباحث جامعه‌شناسی زبان، از اهمیت ویژه برخوردار بوده‌اند؛ در بررسی نام‌شناسی نیز این مسئله حائز اهمیت است. از نظر فرکلاف نام‌ها در بازتولید نابرابری‌های

<sup>1</sup> Langendonck, W. Van

<sup>2</sup> Kehl, F.

<sup>3</sup> Lieberson, S.

<sup>4</sup> Nicolaisen, W. F. H.

<sup>5</sup> Berger, P. L.

<sup>6</sup> Luckmann, T.

<sup>7</sup> Peirce, C.S.

<sup>8</sup> Gerhards, J.

<sup>9</sup> Vandebosch, H.

اجتماعی ایفای نقش می‌کنند و «گروه‌های به حاشیه رانده شده ممکن است از نام‌ها برای مقابله با روایت‌های مسلط استفاده کنند» (فرکلاف؛ ۱۹۹۲: ۸۹)؛ همانطوری که «مهاجران یا گروه‌های تحت ستم ممکن است نام‌های خود را تغییر دهند تا با هویت جدید سازگار شوند» (آلیا؛ ۲۰۰۷: ۱۲).

#### ۴- تحلیل داده‌ها

۴-۱- نام‌های امامان: بر اساس یافته‌های مندرج در جدول شماره ۱ می‌توان دریافت که در مجموع

نام‌های علی، حسین، حسن، جعفر، رضا، هادی و مهدی از فراوانی نسبتاً زیادی برخوردارند:

**علی:** نام علی در دهه اول با فراوانی ۶۶۸ مورد، دومین نام در لیست نام‌های دهه اول (سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳) است. این نام در دهه دوم با کاهش تقریباً ۲۵ درصدی به ۵۰۶ مورد و رتبه سوم نزول پیدا می‌کند. در دهه سوم با کاهش ۵۵ درصدی مواجه می‌شود به ۲۳۰ مورد و رتبه نهم لیست می‌آید. در دهه چهارم با کاهش ۷۳/۵ درصدی به ۶۱ مورد و رتبه ۷۳ سقوط می‌کند و در دهه آخر با کاهش ۷۸/۶۹ درصدی به ۱۳ مورد و رتبه ۲۱۷ لیست سقوط می‌کند. بنابراین نام علی در این پنج دهه همواره با کاهش فراوانی مواجه شده است و سیری کاملاً نزولی طی کرده است.

**حسین:** نام حسین در دهه اول با فراوانی ۵۸۲ مورد، سومین نام در لیست نام‌های دهه اول (سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳) است. این نام در دهه دوم با کاهش تقریباً ۲۲/۵ درصدی به ۴۵۱ مورد و رتبه هشتم نزول پیدا می‌کند. در دهه سوم با کاهش ۷۱/۶۲ درصدی مواجه می‌شود به ۱۲۸ مورد و رتبه ۳۴ لیست می‌آید. در دهه چهارم با کاهش ۸۲/۰۴ درصدی به ۲۳ مورد و رتبه ۱۴۲ سقوط می‌کند و در دهه آخر با کاهش ۸۲/۶۱ درصدی به ۴ مورد و رتبه ۳۷۲ لیست سقوط می‌کند. بنابراین نام حسین، همانند علی، در این پنج دهه همواره با کاهش فراوانی مواجه شده است و سیری کاملاً نزولی طی کرده است.

**حسن:** نام حسن در دهه اول با فراوانی ۴۲۹ مورد، پنجم نام در لیست نام‌های دهه اول (سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳) است. این نام در دهه دوم با کاهش تقریباً ۳۶/۶ درصدی به ۲۷۲ مورد و رتبه ۲۱ نزول پیدا می‌کند. در دهه سوم با کاهش ۷۷/۲۱ درصدی مواجه می‌شود به ۶۲ مورد و رتبه ۷۴ لیست می‌آید. در دهه چهارم با کاهش ۷۷/۴۲ درصدی به ۱۴ مورد و رتبه ۱۹۱ سقوط می‌کند و در دهه آخر با کاهش صد درصدی به ۰ مورد سقوط می‌کند و اسم هیچ کودکی را در این دهه حسن نمی‌گذارند. بنابراین نام حسن، همانند علی و حسین، در این پنج دهه همواره با کاهش فراوانی مواجه شده است و سیری کاملاً نزولی طی کرده است.

**جعفر:** نام جعفر در دهه اول با فراوانی ۳۳۸ مورد، دوازدهمین نام در لیست نام‌های دهه اول (سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳) است. این نام در دهه دوم با کاهش تقریباً ۳۷/۸۷ درصدی به ۲۱۰ مورد و رتبه ۳۰ نزول پیدا می‌کند. در دهه سوم با کاهش ۹۲ درصدی مواجه می‌شود به ۱۷ مورد و رتبه ۱۶۴ لیست می‌آید. در دهه چهارم و پنجم با کاهش صد درصدی به ۰ مورد سقوط می‌کند و اسم هیچ کودکی را در این دو دهه

<sup>1</sup> N. Fairclough

<sup>2</sup> V. Alia

جعفر نمی‌گذارند. بنابراین نام جعفر، همانند علی، حسین و حسن در این پنج دهه همواره با کاهش فراوانی مواجه شده است و سیری کاملاً نزولی طی کرده است.

**رضا:** نام رضا در دهه اول با فراوانی ۱۹۷ مورد، بیست و سومین نام در لیست نام‌های دهه اول (سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳) است. این نام در دهه دوم با افزایش تقریباً یک و نیم برابری به ۳۱۹ مورد و رتبه ۱۸ صعود پیدا می‌کند. در دهه سوم با کاهش ۵۲/۳۶ درصدی مواجه می‌شود به ۱۵۲ مورد و رتبه ۲۴ لیست می‌آید. در دهه چهارم با کاهش ۸۵/۵۳ درصدی مواجه می‌شود و به ۲۲ مورد و رتبه ۱۵۵ سقوط می‌کند. در دهه پنجم با کاهش ۶۷/۱۹ درصدی به ۷ مورد و رتبه ۲۹۱ سقوط می‌کند. هرچند نام رضا در آغاز با رشدی یک و نیم برابری مواجه می‌شود اما در ادامه همان سیر نزولی را که اسامی علی، حسین، حسن و جعفر طی کرده‌اند، طی می‌کند.

**هادی:** نام هادی در دهه اول با فراوانی ۸۷ مورد، پنجاهمین نام در لیست نام‌های دهه اول (سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳) است. این نام در دهه دوم با افزایش تقریباً دو و نیم برابری به ۲۱۹ مورد و رتبه ۲۸ صعود پیدا می‌کند. در دهه سوم با کاهش ۷۱/۲۴ درصدی مواجه می‌شود به ۶۳ مورد و رتبه ۷۳ لیست می‌آید. در دهه چهارم با کاهش ۷۷/۲ درصدی مواجه می‌شود و به ۱۵ مورد و رتبه ۱۹۴ سقوط می‌کند. در دهه پنجم با کاهش ۹۴ درصدی به ۱ مورد و رتبه ۸۶۴ سقوط می‌کند. نام هادی نیز مانند رضا در آغاز با رشدی مواجه می‌شود اما در ادامه همان سیر نزولی را که اسامی علی، حسین، حسن و جعفر طی کرده‌اند، طی می‌کند.

**مهدی:** نام مهدی در دهه اول با فراوانی ۳۵ مورد، نود و یکمین نام در لیست نام‌های دهه اول (سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳) است. این نام در دهه دوم با افزایش تقریباً ۶/۳۷ برابری به ۲۲۳ مورد و رتبه ۲۵ صعود پیدا می‌کند. در دهه سوم با کاهش ۱۴/۳۵ درصدی مواجه می‌شود به ۱۹۱ مورد می‌رسد اما از نظر رتبه، صعود می‌کند و به رتبه ۱۲ لیست می‌آید. در دهه چهارم با کاهش ۷۷ درصدی مواجه می‌شود و به ۴۱ مورد و رتبه ۱۰۰ سقوط می‌کند. در دهه پنجم با کاهش ۷۲/۷۳ درصدی به ۱۲ مورد و رتبه ۲۲۴ سقوط می‌کند. نام مهدی، مانند هادی و رضا در آغاز با رشدی مواجه می‌شود اما در ادامه همان سیر نزولی را که اسامی علی، حسین، حسن و جعفر طی کرده‌اند، طی می‌کند.

به طور کلی در نام‌گذاری کودکان بر اساس نام امامان معصوم به جز نام‌های مهدی، هادی و رضا که صرفاً در دهه دوم با رشد مواجه بودند، همه نام‌ها همواره سیر نزولی داشتند و از منفی ۵/۸۱ در دهه اول به منفی ۶۷/۱۹ درصد رسیدیم. این به این معنی است جامعه بوکان با سیری صعودی از انتخاب نام کودکان خود بر اساس نام امامان پرهیز می‌کنند.

نام	۵۴-۶۳	۶۴-۷۳	۷۴-۸۳	۸۴-۹۳	۹۴-۰۳	مجموع
علی	۶۶۸	۵۰۶	۲۳۰	۶۱	۱۳	۱۴۷۸
		-۲۴/۲۶	-۵۴/۵۵	-۷۲/۴۸	-۷۸/۶۹	
حسین	۵۸۲	۴۵۱	۱۲۸	۲۳	۴	۱۱۸۸
		-۲۲/۵۱	-۷۱/۶۲	-۸۲/۰۴	-۸۲/۶۱	
حسن	۴۲۹	۲۷۲	۶۲	۱۴	۰	۷۷۷
		-۳۶/۶	-۷۷/۲۱	-۷۷/۴۲	-۱۰۰	
جعفر	۳۳۸	۲۱۰	۱۷	۰	۰	۵۶۵
		-۳۷/۸۷	-۹۲/۰	-۱۰۰	۰	
رضا	۱۹۷	۳۱۹	۱۵۲	۲۲	۷	۶۹۷
		+۱۶۱/۹	-۵۲/۳۶	-۸۵/۵۳	-۶۷/۱۹	
هادی	۸۷	۲۱۹	۶۳	۱۵	۱	۳۸۵
		+۲۵۱/۷۲	-۷۱/۲۴	-۷۶/۲	-۹۴	
مهدی	۳۵	۲۲۳	۱۹۱	۴۴	۱۲	۵۰۵
		+۶۳۷/۱۴	-۱۴/۳۵	-۷۶/۹۷	-۷۲/۷۳	
مجموع	۲۳۳۸	۲۲۰۲	۸۴۵	۱۸۰	۳۷	۵۶۰۲
		-۵/۸۱	-۶۱/۶۳	-۷۸/۷	-۷۹/۴۵	

جدول ۱- فراوانی نام امامان در دهه‌های مختلف

#### ۴-۲- نام‌های خلفای راشدین

بر اساس جدول ۲ فراوانی نام‌ها به شرح زیر است.

**ابوبکر:** نام ابوبکر در دهه اول با فراوانی ۱۵۱ مورد، سی و سومین نام در لیست نام‌های دهه اول (سال- های ۱۳۵۴-۱۳۶۳) است. این نام در دهه دوم با کاهش تقریباً ۴۱/۸۳ درصدی به ۸۸ مورد و رتبه ۷۴ نزول پیدا می‌کند. در دهه سوم با کاهش ۶۶/۱۸ درصدی مواجه می‌شود به ۲۸ مورد و رتبه ۱۳۰ لیست می‌آید. در دهه چهارم با کاهش ۸۲/۱۴ درصدی به ۵ مورد و رتبه ۳۲۹ سقوط می‌کند و در دهه آخر با کاهش صد در صدی به صفر مورد سقوط می‌کند. بنابراین نام ابوبکر در این پنج دهه همواره با کاهش فراوانی مواجه شده است و سیری کاملاً نزولی طی کرده است.

**عثمان:** نام عثمان در دهه اول با فراوانی ۱۵۱ مورد، سی و سومین نام در لیست نام‌های دهه اول (سال- های ۱۳۵۴-۱۳۶۳) است. این نام در دهه دوم با کاهش تقریباً ۴۱/۸۳ درصدی به ۵۸ مورد و رتبه ۷۴ نزول پیدا می‌کند. در دهه سوم با کاهش ۶۶/۱۸ درصدی مواجه می‌شود به ۱۳ مورد و رتبه ۱۳۰ لیست می‌آید. در دهه چهارم با کاهش ۹۲/۳۰ درصدی به ۱ مورد و رتبه ۵۷۵ سقوط می‌کند و در دهه آخر با

حفظ همان یک مورد به رتبه ۶۲۲ سقوط می‌کند. بنابراین نام عثمان، همانند نام ابوبکر، در این پنج دهه همواره با کاهش فراوانی مواجه شده است و سیری کاملاً نزولی طی کرده است.

عمر: نام عمر در دهه اول با فراوانی ۷۴ مورد، پنجاه و نهمین نام در لیست نام‌های دهه اول (سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳) است. این نام در دهه دوم با کاهش تقریباً ۶۴/۸۶ درصدی به ۲۶ مورد و رتبه ۱۵۷ نزول پیدا می‌کند. در دهه سوم با کاهش ۱۹/۲۳ درصدی مواجه می‌شود به ۲۱ مورد و رتبه ۱۵۴ لیست می‌آید. در دهه چهارم با کاهش ۸۵/۷۱ درصدی به ۳ مورد و رتبه ۴۲۰ سقوط می‌کند و در دهه آخر با افزایش ۳۳ درصدی به ۴ مورد و رتبه ۳۸۱ صعود می‌کند. بنابراین نام عمر، همانند نام ابوبکر و عمر در چهار دهه اول با کاهش فراوانی و سیر نزولی مواجه بوده است و تنها در دهه آخر با ۱ مورد بیشتر از دهه قبل مواجه بوده است.

به طور کلی در نام‌گذاری کودکان بر اساس نام خلفای راشدین همه نام‌ها همواره سیر نزولی داشتند و از منفی ۳۵/۰۵ در دهه اول به منفی ۷۴/۲۸ درصد رسیدیم. این به این معنی است جامعه بوکان با سیری صعودی از انتخاب نام کودکان خود بر اساس نام خلفای راشدین پرهیز می‌کنند.

نام	۵۴-۶۳	۶۴-۷۳	۷۴-۸۳	۸۴-۹۳	۹۴-۰۳	مجموع
ابوبکر	۱۵۱	۸۸	۲۸	۵	۰	۲۷۲
		-۴۱/۷۲	-۶۸/۱۸	-۸۲/۱۴	-۱۰۰	
عثمان	۱۵۱	۵۸	۱۳	۱	۱	۲۲۴
		-۶۱/۵	-۷۷/۵۸	-۹۲/۳	۰	
عمر	۷۴	۲۶	۲۱	۳	۴	۱۲۸
		-۶۴/۸۶	-۱۹/۲۳	-۸۵/۷۱	+۱۳۳	
علی	۶۶۸	۵۰۶	۲۳۰	۶۱	۱۳	۱۴۷۸
		-۲۴/۲۵	-۵۴/۵۴	-۷۳/۴۷	-۷۸/۶۸	
مجموع	۱۰۴۴	۶۷۸	۲۹۲	۷۰	۱۸	۲۱۰۲
		-۳۵/۰۵	-۵۶/۹۳	-۷۶/۰۲	-۷۴/۲۸	

## جدول ۲- فراوانی نام خلفا در دهه‌های مختلف

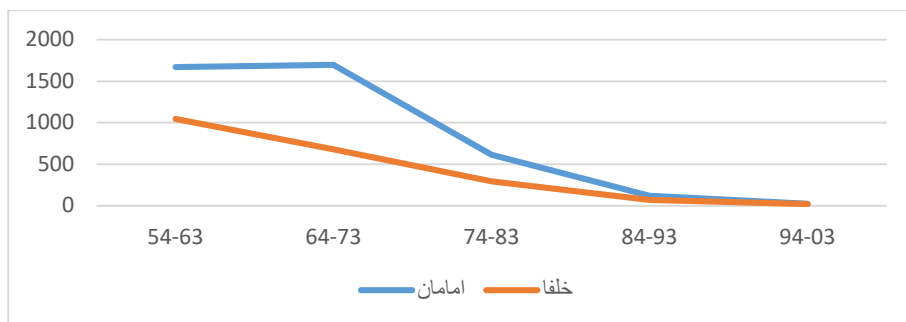
آنچه از مقایسه جدول ۱ و ۲ می‌توان بدان دست یافت این است که والدین بوکانی تعداد ۵۶۰۲ نام را برای کودکان خود بر اساس نام ائمه معصومین برگزیده‌اند و فراوانی همه نام‌های مندرج در جدول شماره ۱ (نام ائمه معصومین) بیشتر از نام‌های مندرج در جدول شماره ۲ است و این خود نشانگر ارادت بیشتر مردم بوکان به آنان نسبت به خلفای راشدین است. اما نکته‌ای که بسیار مهم است و نباید از ذکر آن گذشت فراوانی پیوسته و رو به رشد نام محمد برخلاف تمامی نام‌های مذهبی است. این نام در این ۵

سیر تحول نام‌های امامان و خلفای راشدین در ۵۰ سال گذشته در شهرستان بوکان / ۴۳

دهه از تعداد ۹۱۴ نفر در دهه اول به ۱۹۸۸ نفر در دهه پنج رسیده است و در تمامی این ۵ دهه در ردیف اول قرار دارد.

نام	۵۴-۶۳	۶۴-۷۳	۷۴-۸۳	۸۴-۹۳	۹۴-۰۳	مجموع
محمد	۹۱۴	۱۵۱۸	۱۷۵۲	۱۹۶۶	۱۹۸۸	۸۱۳۸

جدول ۳- فراوانی نام محمد در دهه‌های مختلف



نمودار ۱- سیر تحول نام امامان و خلفا در ۵۰ سال گذشته

## ۵- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی سیر تحول نام‌های منتخب بر اساس نام‌های امامان و خلفا انجام شد. در پاسخ به سؤال اول نتایج حاکی از آن است که در ۵۰ سال گذشته علاقه والدین به انتخاب نام امامان و خلفا برای کودکان خود سبب نزولی داشته است و همواره روندی کاهشی را طی کرده است. اگرچه برای برخی از نام‌ها منجمله رضا، هادی و مهدی تنها برای یک دهه روندی رو به رشد داشته است اما بلافاصله در دهه بعد روندی کاهشی در پی گرفته است. این روند کاهشی هم در مورد انتخاب نام بر اساس نام امامان رخ داده است، هم در مورد نام خلفای راشدین. این امر را به وضوح می‌توان در نمودار ۱ مشاهده کرد. در پاسخ به سؤال شماره دو با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت که تنها نام مذهبی که روندی عکس موارد پیش‌گفته داشته است و همواره صعودی بوده است، نام محمد است؛ جالب این است که این نام در تمامی این پنجاه سال همواره انتخاب اول مردم بوکان بوده است. سیر نزولی نام‌های انتخاب به تاسی از نام امامان و خلفا نشان از کاهش بازتاب دهنده شرایط اجتماعی است. تشویق انتخاب نام‌های مذهبی در دهه آغازین انقلاب اسلامی و افزایش نقش روحانیون و نهادهای مذهبی در اداره امور اجتماعی و فرهنگی شهر در کنار خانواده‌های متدین و مذهبی بوکان از دلایل فراوانی چشم‌گیر نام‌های مذهبی است. در دهه دوم این پژوهش (سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۳) جنگ

تحمیلی به پایان رسید. این جنگ، در کنار افزایش مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۷۱ و انتخابات ریاست‌جمهوری در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۲ و نیز آغاز دوره سازندگی در کشور باعث تقویت ملی‌گرایی و هویت ملی و نیز تأکید بر زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور شد و در نتیجه آن تنش‌های قومی کاهش یافت و نسبت به دهه قبل، ثبات بیشتری در روابط قومی پدیدار شد؛ این عوامل از دلایل کاهش تمایل والدین به انتخاب نام‌های عربی برای فرزندان‌شان شد. با روی کار آمدن دولت اصلاحات خاتمی، در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳، فضای سیاسی کشور به سمت آزادی‌های نسبی و گفتمان اصلاحات حرکت کرد و افزایش مشارکت مردم در انتخابات شوراهای شهر و روستا، شیوع جریان‌های فکری جدید در بین جوانان و تحصیلکردگان تقویت هویت ملی و دوری از انتخاب نام‌های عربی را در پی داشت و یافته‌های این بخش از پژوهش، موید یافته‌های پژوهش‌های احمدی و همکاران (۱۳۹۷)، اسدی و همکاران (۱۳۹۹)، نیکوروش و همکاران (۱۴۰۲)، رضایی بیلندی و ناصح (۱۴۰۳) و محمدزاده و همکاران (۱۴۰۳) است. دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد که خود هویت ملی را ترویج می‌نمود، دسترسی آسان به اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای، مراودات مردمی با کردستان عراق از علاقه مردم به انتخاب نام‌های عربی کم کرد. تسهیل دسترسی به نام‌های زیبای کردی و ایرانی از طریق اینترنت و مراودات با مردمان اقلیم کردستان، تلاش والدین کُرد بوکانی برای حفظ هویت کردی خویش با استفاده از نام‌ها و نیز نام‌نوس بودن برخی نام‌های عربی به ویژه با توجه به معنای عربی آن بر کمتر شدن فراوانی آنها در دهه اخیر افزود.

نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که شهرستان بوکان، همان طوری که قبلاً شرح آن رفت، شهری کردنشین و اغلب ساکنان آن پیرو مذهب امام شافعی هستند، با این وجود والدین بوکانی از نام‌های حسین، حسن، جعفر، رضا، هادی و مهدی بیشتر از نام‌های خلفای اهل تسنن، یعنی ابوبکر، عثمان و عمر، در نام‌گذاری کودکان خود استفاده کرده‌اند. این امر را می‌توان ناشی از عوامل متعددی دانست که از جمله آن می‌توان ارادت مردم بوکان به امامان همان طوری که در مذهب امام شافعی نیز این امامان گرامی داشته شده‌اند، به تأثیر رادیو و تلویزیون کشور و تبلیغ این اسامی در برنامه‌های مختلف است. به هرحال این مسئله نیاز به پژوهش بیشتر دارد.

## منابع

احمدی، بهزاد؛ زندی، بهمن؛ نجفیان، آرزو و بلقیس روشن (۱۳۹۷). بررسی نام‌گذاری اشخاص در بانه از دیدگاه نام‌شناسی اجتماعی. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۶ (۲۲):

۱۹-۱.

اسدی، سید انور؛ بدخشان، ابراهیم؛ دست‌گشاده، عادل و زانیار نقشبندی (۱۳۹۹). بررسی انتخاب نام فرزندان از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی در دهه‌های (۱۳۶۶) تا (۱۳۹۵)؛ مطالعه موردی: بخش کلاترزان در شهرستان سمنج. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۸ (۲): ۱۸-۱۳۹۴. doi: 10.22126/jlw.2020.4893.13941

جمشیدی‌ها، غلامرضا و مجید فولادیان (۱۳۹۰). بررسی تحولات فرهنگ عمومی در ایران براساس تحلیل نام‌گذاری. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۷ (۲۴): ۳۹-۶۴.

دانش، یونس و علی اکبر قربانی (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر نام‌گزینی کودکان توسط خانواده‌های ایرانی (مطالعه موردی استان هرمزگان). دوفصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، ۳ (۵): ۸۷-۱۰۹.

رضایی بیلندی، زینب و محمدامین ناصح (۱۴۰۳). بررسی نام‌گذاری مدارس شهرستان گناباد در سده معاصر با رویکردی به زبان‌شناسی اجتماعی. فصلنامه علمی - پژوهشی زبان‌شناسی اجتماعی، ۸ (۱): ۶۱-۶۹. doi: 10.30473/il.2025.72386.166049

زند، بهمن و الهه واثق (۱۳۹۹). گرایش‌های نام‌گذاری زنان و مردان چهار نسل ایران از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی

محمدزاده، حسین؛ احمدی، بهزاد و سیدمحمود نجمی (۱۴۰۳). سیر تحول نام‌گذاری فرزندان در شهرستان سقز در نیم قرن گذشته (۱۴۰۰-۱۳۵۰). فصلنامه علمی - پژوهشی زبان‌شناسی اجتماعی، ۸ (۱): ۴۷-۱۹. doi: 10.30473/il.2025.72403.166119

نجاتی حسینی، سیدمحمود و سمیه افشار (۱۳۸۸). تحول نام‌گذاری فرزندان در شهر تهران؛ پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه (جوان و مناسبات نسلی) سال ۲، دوره ۱، شماره ۳: ۱۵۸-۱۴۱.

نیکوروش، کبری؛ قریشی، سیدمحمدحسین و احسن مامی (۱۴۰۲). بررسی عوامل مؤثر گرایش به گزینش نام‌های ملی در کودکان در دو دهه اخیر از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی در شهر بیرجند. مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان ۱۷ (۳): ۱۹۷-۲۳۳.

doi:10.22034/fakh.2023.380729.1593

Ainiala, T. and J.-O. Östman (2017). *Socio-onomastics: The Pragmatics of Names*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.

Aldrin, E. (2017). "Creating Identities Through the Choice of First Names". *Socio-Onomastics: The Pragmatics of Names*, Edited by Terhi Ainiala and Jan-Ola Östman. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company. PP: 45-65. <https://doi.org/10.1075/pbns.275.03ald>

Alia, V. (2007). *Names and Nunavut: Culture and Identity in the Inuit Homeland*. Berghahn Books.

Berger, P. L. and T. Luckmann (1966). *The Social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge*. New York: Anchor Books.

Eslami-Rasekh, A. and M. Ahmadvan (2015). *Name-Giving Variations in Kurdistan Province of Iran: An Ethnic Identity*

- Marker Categorized. *Khazar Journal of Humanities and Social Sciences*. 18(2), 5-22.  
<https://doi.org/10.5782/2223-2621.2014.18.2.5>.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- Gerhards, J. (2003). *Die Moderne und ihre Vornamen. Eine Einladung in die Kultursoziologie*. Wiesbaden: Westdeutscher Verlag. doi: 10.1007/978-3-322-93558-8
- Kehl, F. (1971). Chinese Nicknaming Behaviour: A Sociolinguistic Pilot Study, *Journal of Oriental Studies*, 9, 149-172.
- Langendonck, Willy van. (1982). Socio-Onomastic Properties of by-Names. *Onoma* 26: 55—62.
- Langendonck, Willy van. (2007). *Theory and Typology of Proper Names*. Berlin: Walter de Gruyter.
- Lieberson, S. (1984). What's in a Name? Some Sociolinguistic Possibilities. *International Journal of the Sociology of Language*, 1984)45(77-87. doi: 10.1515/ijsl.1984.45.77
- Lieberson, S. (2000). *A Matter of Taste: How Names, Fashions, and Culture Change*. Yale: Yale University Press.
- Nicolaisen, W. F. H. (1985). "Socio-Onomastics." In *Proceedings of the 15th International Congress of Onomastic Sciences*, ed. by Ernst Eichler et al. 118–132. Leipzig: Karl-Marx-Universität.
- Peirce, C. S. (1931). *Collected Papers of Charles Sanders Peirce*. Edited by C. Hartshorne & P. Weiss. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Puzey, G. and L. Kostanski (2016). *Names and Naming. People, Places, Perceptions and Power*. Bristol: Multilingual Matters.
- Sabet, P.G.P and G. Zhang (2020). First Names in Social and Ethnic Contexts: A Socio-Onomastic Approach. *Language & Communication* 70, 1–12.
- Vandebosch, H. (1998). The Influence of Media on Given Names. *Names*, 46/4: 243–262. doi: 10.1179/nam.1998.46.4.243
- Virkkula, J. (2014). *First name choices in Zagreb and Sofia*. University of Helsinki: Slavica Helsingiensia 44.